

دیدار رودکی و مذکر رازی

علی نویدی ملاطی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

اطلاعات اصیل ما از احوال رودکی عمدتاً به روایت چند سطرِ چند راوی معتبر از جمله سمعانی (۵۶۲-۶۱۶) خلاصه می‌شود (← سمعانی، ذیل «الرّوذکی»، ج ۶، ص ۱۸۴ و ذیل «البنجی»، ج ۲، ص ۳۱۱). راوی دیگر ابوسعّد سَمّان، محدّث و متکلم معتزلی-زیدی ری در نیمه اول قرن پنجم است (← امالی ابوسعّد سَمّان، برگ ۱۷۰ پشت، به نقل انصاری). انصاری، طیبی مطلبی در وبلاگ خود موسوم به «بررسی‌های تاریخی» با عنوان «فارسیات ابوسعّد سَمّان و قطعه شعری نویافته از رودکی»، سه بیت تازه از رودکی را نقل کرده است. به دنبال آن، علی اشرف صادقی (← صادقی) و ابوالفضل خطیبی (← خطیبی) هر کدام سه بیت نویافته از رودکی را با پیشنهادی برای ضبط و قرائت آنها عرضه کردند.

از روایت ابوسعّد سَمّان چنین برمی‌آید که محمّد بن عبدالله بن عبدالعزیز المذکر الرّازی با رودکی دیدار کرده و چند بیت شعر از او شنیده است. وی، درباره این دیدار آورده است: وَ بِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الشَّعِيرِيُّ بِقِرَائَتِي عَلَيْهِ بِقَزْوِينَ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْمَذْكُورِ الرَّازِيَّ يَقُولُ أَنشَدَنِي الرَّوْذِيَّ:

ایا گیتی افسوس افسوسی برآستی شاهیت* بندگانست فزونیت کاستی
بر بچه‌گان خویش همه ترک خواستی خود بُن کنی همان را کجوز (؟) نشاستی

هرکه تو را نخواست مرو را بخواستی هرکه تو را بخواست** بدو دادی استی (۴)
* در نسخه، شاییت. ** در نسخه: نه خواست.

قرائت متن عین قرائت آقای انصاری است. تصحیح علی اشرف صادقی به این صورت است:

ایا گیتیا فسوس! فسوسی به راستی شاهیت بندگی فزونیت کاستی
یر بریچگان خویش همه مرگ خواستی خود برکنی همان را که خود نشاستی
هرکه تو را بخواست مرو را نخواستی هرکه (یا: وانکه) تو را نخواست بدو دادی آستی

(صادقی، ص ۱۸)

انصاری، در یادداشت خود، به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند و می‌نویسد: «نکته جالب توجه این است که ابوسعید سمان این قطعه شعر را، به سندی متصل، از رودکی نقل می‌کند و از این نقطه نظر این نقل ارزش تاریخی در رابطه با زندگی رودکی هم دارد» (انصاری). آنچه ما را در خصوص این دیدار مطمئن می‌کند کاربرد لفظ «آشَدَنی»^۱ است که نشان می‌دهد رودکی شخصاً اشعار خود را برای مدگر رازی قرائت کرده است. حال باید معلوم شود که این مدگر رازی کیست.

سمعانی، در الأنساب (ج ۱۱، ص ۲۱۵-۲۱۶)، ذیل «المدگر»، به نقل از ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۳)، درباره مدگر رازی و سفرهای چندگانه‌اش چنین آورده است:

ابوبکر محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز بن شاذان المدکر الرازی من اهل الری کان صوفیاً ملیحاً ظریفاً... ذکره الحاکم ابوعبدالله الحافظ و قال: ابوبکر الرازی المدکر، و کان قد جمع من کلام التصوف... و رد نيسابور سنة أربعين و ثلاث مئة [۳۴۰] و المشايخ متوافرون و هو محمود عند جماعتهم في التصوف و صحبة الفقراء و مجالستهم فعلفت في ذلك الوقت عنه حكايات المتصوفة ثم اجتمعنا بخارن سنة خمس و خمسين [۳۵۵]... ثم ائني دخلت الری سنة سبع و ستين [۳۶۷] فصادفته بها... ثم التقينا بنيسابور سنة سبعين و ثلاث مئة [۳۷۰]... و توفي بنيسابور

(۱) این لفظ، که بیشتر در متون حدیثی کاربرد دارد، برای نقل مستقیم و بدون واسطه به کار می‌رود. در لغت، «إنشاد شعر بلند کردن صدا به هنگام قرائت آن دانسته شده است: «و التَّشِيدُ رَفْعُ الصَّوْتِ وَ كَذَلِكَ الْمُعَرَّفُ يَرْفَعُ صَوْتَهُ بِالتَّعْرِيفِ فَسُمِّيَ مُنْشِداً وَ مِنْ هَذَا إِنْشَادُ الشُّعْرِ إِذْ مَا هُوَ رَفْعُ الصَّوْتِ». (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۱۳۹)

يَوْمَ الْأَحَدِ الثَّلَاثِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ سَنَةِ سَبْعِينَ وَثَلَاثَ مِئَةٍ [۳۷۶]^۲
 از آنجا که مذکر رازی به مسافرت علاقه مند بوده، بعید نیست که، پیش از سال ۳۵۵
 نیز، به سمرقند یا بخارا رفته و رودکی را در آنجا ملاقات کرده باشد. با این حساب، اگر
 فرض کنیم مذکر رازی، در زمان دیدار با رودکی، مثلاً چهل ساله بوده است، تولد وی
 در اواخر قرن سوم و دیدار آن دو با هم در دهه پایانی عمر رودکی باید صورت
 گرفته باشد. نکته دیگری که از قرائت شعر برای مذکر رازی از سوی رودکی برمی آید
 فارسی دانی مذکر رازی است که ظاهراً در منابع بدان اشاره نشده است.
 نکته دیگر خصلت و مایه زاهدانه ابیات است. در بین اشعار باقی مانده از رودکی
 اشعاری با همین مضمون دیده می شود که به نظر می رسد مربوط به اواخر عمر رودکی
 بوده باشد. از جمله نمونه های آن است اشعاری از او به مطلع

به سرای سپنج مهمان را دل نهادن همیشگی نه رواست (رودکی، ص ۱۵)

این جهان پاک خواب کردار است آن شناسد که دلش بیدار است (همان، ص ۱۶)

زندگانی چه کوتاه و چه دراز نه به آخر بمرسد باید باز (همان، ص ۲۸)

منابع

ابن منظور، لسان العرب، نَسَقَهُ و عَلَّقَ عَلَيْهِ عَلِيَّ شَيْبَرِي، الطَّبِيعَةُ الثَّانِيَّة، دَائِرُ احْيَاءِ الثَّرَاثِ الْعَرَبِي، بيروت
 ۱۹۹۲/۱۴۱۲.

انصاری، حسن، «فارسیات ابوسعید سمنان و قطعه شعری نویافته از رودکی»، وبگاه بررسی های تاریخی
 به نشانی ansari.kateban.com/post/1816.

۲) محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز المذکر الرّازی، اهل ری، صوفی ظریف و نکته پرداز بود... حاکم
 ابوعبدالله الحافظ از او یاد کرده و گفته است: ابوبکر الرّازی المذکر کلام متصوّفه را جمع کرده است... به سال ۳۴۰،
 وارد شهر نیشابور شد و مشایخ در آنجا بسیار بودند و مذکر نزد آنان، در تصوّف و مصاحبت و هم نشینی با فقرا
 ستوده بود. در آن زمان، حکایات متصوّفه از طریق او دانسته شد. سپس، در سال ۳۵۵، در بخارا همدیگر را
 ملاقات کردیم. سپس، در سال ۳۶۷، وارد ری شدم و در آنجا او را دیدم. سپس، در سال ۳۷۰، همدیگر را
 در نیشابور ملاقات کردیم. او، به روز یکشنبه بیست و سوم جمادی الآخر سال ۳۷۶، در نیشابور درگذشت. ذهبی،
 در اطلاعاتی که از او به دست داده، به محدث و واعظ بودن و نیز محبوبیت او نزد صوفیه اشاره کرده است. (←
 ذهبی، ج ۱۶، ص ۳۷۴-۳۶۵)

خطیبی، ابوالفضل، «سه بیت نویافته از رودکی»، وبلاگ به نشانی a-khatibi.blogspot.com.
ذهبی، شمس‌الدین محمد، بیژر اعلام النبلاء، شعيب الأرئووط، اکرم البوشی، الطبعۀ الثانیة، مؤسسۀ الرسالة،
بیروت ۱۹۸۴/۱۴۰۴.

رودکی، دیوان، پژوهش، تصحیح و شرح جعفر شعار، چاپ سوم، قطره، تهران ۱۳۸۲.
سمعانی، عبدالکریم ابوسعید، الأنساب، تحقیق الشیخ عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، مکتبۀ
ابن تیمیّة، قاهره ۱۹۸۰/۱۴۰۰.

صادقی، علی اشرف، «سه بیت تازه از رودکی»، نامۀ فرهنگستان، دورۀ دوازدهم، ش ۱ (۱۳۹۰).

□

